

عصمت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها

حیدر حب الله

ترجمه: محمد رضا ملانی

سوال 1: آیا فاطمه معصومه دختر امام کاظم علیهما السلام معصوم بوده‌اند؟

پاسخ: روایاتی به دست ما رسیده است که در آن فاطمه دختر امام کاظم و خواهر امام رضا علیهم السلام مدح شده‌اند و در آن بیان شده است که ایشان بانوی فاضلی بوده‌اند، همچنین روایاتی وجود دارد که ما را به زیارت ایشان تشویق می‌کنند. ولی اثبات عصمت ایشان بسیار دشوار است. برخی مانند محمد علی معلم در کتابش پیرامون حضرت فاطمه معصومه تلاش کرده‌اند با این دلایل عصمت ایشان را اثبات کنند:

1- روایتی از امام رضا به دست ما رسیده است مبنی بر اینکه: «زیارت معصومه در قم مانند زیارت من است». بر اساس اینکه خود امام رضا ایشان را معصوم دانسته‌اند و این بهترین دلیلی است که عصمت ایشان را ثابت می‌کند، البته که این دلیل نمی‌خواهد بگوید مقام ایشان در حد پیامبر یا اهل بیت علیهم السلام است.

ولی به نظرم این استدلال صحیح نیست. چرا که هیچ اثری از این روایت در هیچ یک از کتب روایی مسلمانان وجود ندارد و همین اواخر پیدا شده است، شاید قدیمی‌ترین کتابی که این روایت را آورده است را بتوانیم ریاحین الشیعه (جلد 5 ص 35) نوشته شیخ ذبیح الله محلاتی بدانیم که در سال 1403 از دنیا رفته است، یعنی تقریباً 30 سال پیش و پیش از آن من هیچ کتابی را پیدا نکردم که این روایت را ذکر کرده باشد یا حتی کتابی که از کتابی دیگر نقل قول کرده باشد. و شاید نویسنده می‌خواسته مضمون روایتی را نقل کند، و به جای اینکه واژه فاطمه را به کار برد، واژه معصومه را به کار برده است و دلیلش این بوده که این اصطلاح میان معاصرینش رواج داشته. شاید آن چیزی که نظر ما را تقویت می‌کند این باشد که هیچ یک از روایات تاریخی و حدیثی پیرامون حضرتشان، وصف معصومه را برایشان به کار نبرده‌اند.

شاید خاستگاه این نام‌گذاری معروف (معصومه) این باشد که هنگام رسیدن ایشان به قم، مردم آنجا از ایشان محافظت کردند² به همین دلیل به معصومه³ شهرت یافتند، چرا که مردم قم به گرمی از ایشان استقبال کردند و مراقب بودند هیچ گزندی به ایشان نرسد. البته به نظر من وجه تسمیه موجه‌تری را می‌توان در این میان یافت. این نام‌گذاری جدیداً و خیلی پس از وفات ایشان روی داده است. ایرانی‌ها برای اینکه پاکی یک کودک را توصیف کنند از اصطلاح «طفل معصوم» استفاده می‌کنند و منظورشان پاکی و بی‌گناهی کودکانه آن شخص است. از آنجا که حضرت فاطمه سن و سال کمی داشتند و آنطور که مشهور است متولد 173 ه.ق بودند، ایرانیان برای اشاره به

¹ حیدر حب الله، إضاءات فی الفكر والدین والاجتماع 5: سوال: 700.

² عصم در زبان عربی به معنای محافظت کردن در فارسی است

³ محافظت شده

مظلومیت، بی‌گناهی، پاکی، عدم حیل‌گری و عدم خباثت ایشان این اصطلاح را به کار بردند و باز به همین دلیل این نام‌گذاری در همین چند قرن اخیر رایج شده‌است.

2- دلیل دیگری را که برای عصمت ایشان ذکر کرده‌اند، این است که اهل‌بیت به زیارت‌کنندگان ایشان و عده بهشت داده‌اند، بر این اساس که اهل‌بیت فقط در قبال زیارت معصوم چنین وعده‌ای را می‌دهند. ولی این استدلال هم چندان واضح نیست، حتی اگر روایاتی که این تعبیر را به‌کار برده‌اند صحیح باشند، هیچ تلازمی میان وعده بهشت برای زیارت یک شخص و معصوم بودن آن شخص وجود ندارد. پرواضح است صرف اینکه این مسئله پیرامون معصوم رواج داشته، به این معنی نیست که تشویق به زیارت ایشان عصمت ایشان را ثابت کند، چرا که ممکن است این بیان ثابت کند، حتی زیارت غیر معصوم هم می‌تواند چنین نتیجه‌ای داشته باشد، بنابراین بیشتر تأمل بفرمایید.

3- دلیلی دیگرشان این است که ایشان بدون هیچ قید و شرطی در قیامت شفاعت می‌کنند. این هم به نظر من صحیح نیست. حتی اگر شفاعت شهید و دیگرانی که در رتبه او هستند مقید باشد و شفاعت ایشان غیر مقید، باز هم ارتباطی میان این مفاهیم و عصمت وجود نخواهد داشت، شاید ایشان منزلتی دارند که با آن به این مقام از شفاعت رسیده باشند بدون اینکه عصمتی در کار باشد، ما چطور این مفاهیم را به ارتباط می‌دهیم، نمی‌دانم؟! علاوه بر اینکه روایتی با این مضمون، نه از جهت حدیثی قابل اثبات است و نه از جهت تاریخی.

4- طرفداران این نظریه برای اثبات نظرشان دلیل دیگری هم ذکر کرده‌اند مبنی بر اینکه شهر قم بسیار با فضیلت است و این هم از برکات این بانوی بزرگوار است. فضیلت این شهر در روایات، با مضامین بسیار بلندی توصیف شده‌است تا آنجا که برخی از روایات این شهر را حرم آل محمد می‌دانند، و این به وضوح عصمت حضرت فاطمه را می‌رساند. در کنار این مطلب، بایستی توجه کنیم که کرامات بسیار زیادی از آرامگاه ایشان دیده شده که همه و همه اثبات‌کننده عصمت ایشان و شواهدی بر این امر هستند. حتی در زیارت ایشان هم می‌خوانیم که نزد پروردگار مرتبه بسیار عظیمی را به خود اختصاص داده‌اند، و این‌ها جز با عصمت ایشان قابل فهم نیستند. اگر اینطور نبود چرا امام رضا و امام جواد علیهما السلام برای دفن ایشان به قم آمدند؟ مگر برای تدفین یک غیر معصوم، یک معصوم دست به کار می‌شود؟!

همه این نکاتی که به عنوان دلیل مطرح شد نهایتاً ظن انسانی را تقویت می‌کند و هیچ یک نمی‌تواند ما را به عصمت یک انسان رهنمون شود و اگر بخواهیم این دلایل را به عنوان شواهدی برای اثبات عصمت بپذیریم، بایستی قبول کنیم افراد بسیاری که همه می‌دانند معصوم نیستند هم معصوم-اند! شاید پذیرفتنی باشد که این دلایل حاکی از جایگاه والای آن شخص نزد خداوند است ولی چرا همواره دنبال آنیم که بین مقام والا و عصمت ارتباط برقرار کنیم؟ واقعا دلیلمان بر این امر چیست؟ ضمن اینکه می‌دانیم فضیلت قم فقط و فقط به دلیل وجود آرامگاه حضرت فاطمه نیست، این هم ادعایی است که طرفدارانش بایستی دلیشان را ارائه کنند، برخی از روایات پیرامون فضیلت قم بلکه بسیاری از آن‌ها به هیچ وجه اشاره‌ای به این مطلب ندارند و دقیقا مانند سایر سرزمین‌هایی که هیچ رد و اثری از معصومین در آنجا نیست و در عین حال از آن‌ها فضیلتی ذکر شده است، توصیف شده‌اند.

اینکه این شهر را به عنوان حرم اهل بیت توصیف کرده‌اند - با توجه به اینکه این روایت، روایت صحیحی نیست- به این معنی نیست که صاحب آن حرم ضرورتاً معصوم باشد، و تنها معنای آن این است که آن شهر جایگاه مهمی دارد و به اهل بیت علیهم السلام منتسب است، همانطور که سلمان محمدی به ایشان منتسب است. شاید ائمه خواسته‌اند با توصیف محل اقامت حضرت فاطمه به واسطه این جایگاه و این سخن، آنجا را محل نشر مذهب قرار دهند، و در غیر این صورت دلالت زبانی یا عرفی‌ای وجود ندارد که از طریق وصف محل اقامت کسی یا شهری که در آن سکنی گزیده‌است به حرم اهل بیت، عصمت آن شخص اثبات شود.

چنین سخنانی را می‌توانیم در رابطه با آن دسته از سخنان اهل بیت بیان کنیم که برای حضرت فاطمه مقام والایی نزد خداوند قائل شده‌اند. باز این پرسش را تکرار می‌کنیم که چه ارتباطی میان جایگاه والای یک شخص و عصمت او وجود دارد؟ آیا اینطور نیست که شهدا و علما نیز جایگاه بسیار والایی نزد پروردگار دارند ولی این مقام نشان دهنده عصمت آنان نیست. اگر بخواهیم آن زیارتی را که حضرت فاطمه را اینگونه توصیف کرده است از حیث اعتبار بررسی کنیم بایستی بگوییم که آن را علامه مجلسی از کتابی نقل کرده‌است که خود علامه در وصف آن فقط این نکته را ذکر کرده است: «یکی از کتاب‌های زیارتی» بدون اینکه مشخصات خاص دیگری از جمله نام گردآورنده آن را به ما ارائه کرده باشد تا ما تشخیص دهیم که آیا اساساً این کتاب معتبر است یا خیر، با وجود چنین اطلاعاتی از این روایت، نمی‌توانیم آن را معتبر بدانیم.

حتی اگر کراماتی که پیرامون آرامگاه ایشان ذکر کرده‌اند به روش علمی اثبات شود، باز هم دلالت بر عصمت آن شخص نمی‌کند، آیا دلیل عقلی یا نقلی معتبری وجود دارد که بگوید چنین کراماتی ممکن نیست که در آرامگاه یک مرد صالح یا زن فاضل و با تقوایی مشاهده شود؟ امروزه از مقبره علما و شهدا کم از این کرامت‌ها شنیده‌ایم؟

اینکه ایشان را امام جواد و امام رضا علیهما السلام دفن کرده باشند هم اساساً از طریق روایت معتبری ثابت نشده‌است و اگر هم ثابت شود باز هم دلالتی بر عصمت ایشان ندارد. چرا که دلیل - بدون توجه به اعتبار آن- به ما می‌گوید معصوم را فقط معصوم به خاک می‌سپارد ولی نمی‌خواهد بگوید هر آن‌کس را که معصوم به خاک سپرد، معصوم است. بین این دو تفاوت واضحی وجود دارد و انتقال یکی به دیگری بیشتر شبیه به یک تخمین است.

تمام این وجوه - در کنار اینکه اغلب روایات یادشده اسناد ضعیفی دارند و از آن گذشته برخی از آن‌ها اساساً بی‌سنداند و در همین قرون اخیر ظاهر شده‌اند- تنها، شواهدی هستند که احتمالاتی را پیرامون ادعاهایشان ایجاد می‌کنند، ولی نه دلایلی علمی هستند و نه حتی ظنون معتبری به شمار می‌روند تا بتوانند عصمت حضرت فاطمه دختر امام کاظم را اثبات کنند. چه خوب است که با دقت و جدیت بیشتری دلایل اینگونه ادعاها و اکاوی شوند، در غیر این صورت اهل سنت هم می‌توانند عصمت بسیاری از صحابه را اثبات کنند. در شأن صحابه هم از این نوع دلایل به فراوانی یافت می‌شود و اگر بخواهند این روش‌ها را به کار گیرند، احتمالاً دیگران آن‌ها را بسیار مسخره خواهند کرد.